

تعامل فقه و تربیت اقتصادی

□ سید انوار علوی *

چکیده

فقه و تربیت اقتصادی دو دانش مهمی اند که در زندگی آدمیان نقش ایفا می‌کنند. علوم همانند هر موجود زنده و پویا دارای تعامل، اثر پذیری و اثر گذاری‌اند، در زندگی بشر زمینه‌های مشترک بسیاری یافت می‌شود که می‌تواند عرصه‌ای تعامل فقه و تربیت اقتصادی باشد. فقه که جنبه عملی شریعت را به عهده دارد مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اقتصادی را هم تعیین می‌کند و از طرف دیگر تربیت اقتصادی که پرورش صفات مثبت برای اقتصاد سالم و پایدار است به احکام فقهی نیازمند است به گونه‌ای که مردم در تولید (کسب معاش)، توزیع و مخارج زندگی (مصرف) توانمند باشند و روزی را از راه حلال بر پایه دستورات قرآن و حدیث و آموزه‌های فقه اسلامی بدست آورند و نیز هزینه‌های زندگی را بدون اسراف و به قدر نیازهای واقعی مدیریت کنند. در این فرایند این دو دانش ناگزیر از تعاملند. بررسی تعامل فقه و تربیت اقتصادی از این جهت مهم است که همیاری این دو دانش از یک سو سبب بهبود دین مداری مردم در عرصه اقتصاد می‌گردد و از سوی دیگر تعامل آن دو، سبب بارور شدن هریک از فقه و تربیت اقتصادی در خدمت رسانی به بشریت می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تعامل، فقه، تربیت، اقتصاد.

مقدمه

دانش فقه و تربیت اقتصادی با پیشرفت زندگی بشر و تحولات شگرف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، وظایف و مأموریت جدیدی یافته است. از این رو مانند بسیاری از علوم، در بسیاری از زمینه‌ها ناگزیر به تعامل و همیاری شده‌اند. چون اقتصاد و تربیت اقتصادی به یکی از نهادهای بنیادین در سامان دهی زندگی آدمیان تبدیل گردیده و زمینه ساز موفقیت انسان در سایر عرصه‌ها شده است. دانش فقه از ایفای نقش در محدوده‌ای زندگی فردی افراد مکلف فراتر رفته و رسالت گسترده‌ای اجتماعی خود را بازیافته است. از این رو انتظار می‌رود که پاسخگوی نیازهای شرعی انسان در همه شئون زندگی باشد.

در این میان آن چه مهم به نظر می‌رسد تحلیل رویکردهای همگرایانه و تعاملی این دو دانش در زندگی آدمیان و حل مشکل از جامعه اسلامی است.

آیا فقه و تربیت اقتصادی امکان تعامل دارد؟ فقه با هویت دینی خود، با تربیت اقتصادی، دارای چه اثرگذاری و اثرپذیری از همدیگر هستند؟ آیا تعامل فقه و تربیت آثار و نتایجی در ساماندهی نظام اقتصادی در جامعه اسلامی دارد؟ آیا نقش آفرینی فقه در تربیت اقتصادی می‌تواند به فرایند اسلامی سازی اقتصادی کمک کند؟ و از سوی دیگر، تربیت اقتصادی با اصول و شیوه‌هایی که دارد ضمن ارائه موضوعات جدید در عرصه اجتهاد و فقهت، آیا می‌تواند فرایند استنباط احکام را پویا و قلمرو فقه را گسترش دهد؟ آیا تعامل این دو دانش به پای بندی افراد جامعه اسلامی به فقه و احکام فقهی، کمک می‌نماید؟

در این نگارش تلاش شده است تا به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده و امکان تعامل این دو دانش را بررسی کند و از همگرایی این دو دانش در دین‌گرایی مردم در عرصه‌ای اقتصاد استفاده شود. چون به رغم نقش آفرینی فقه در زندگی مسلمانان و نیز نقش تربیت اقتصادی در سالم سازی اقتصادی؛ ولی مسلمان هنوز توجه لازم به احکام فقهی و تربیت اقتصادی ندارند.

۱. واژه‌شناسی

در واژه‌شناسی، واژگان بنیادی موضوع، مورد بحث قرار می‌گیرد، تا از یک سو پرده ابهام از روی

این گونه مفاهیم برافتد و از دیگر سوی، خوانندگان با دورنمایی موضوع بحث آشنا گردد.

۱-۱. تعامل

تعامل در لغت، «با یکدیگر داد و ستد کردن» (دهخدا، ۱۳۷۲، ۴: ۵۹۵۱) در اصطلاح، زمینه‌های مشترک که امکان تعامل دو دانش مانند فقه و تربیت اقتصادی را فراهم می‌آورد، چون قلمرو تعامل این دو دانش در میان علوم اسلامی و انسانی بسیار گسترده است. از آنجا که موضوع تربیت اقتصادی و فقه هر دو، انسان و رفتارهای اوست، به طور طبیعی محتوا و مسائل مطرح شده در این دو ساحت، می‌تواند زمینه ساز تعامل این دو دانش باشد. محتوای تربیت، شامل کلیه آموزه‌ها و فعالیت‌هایی است که در پرورش ابعاد وجودی انسان مؤثر است. محتوا و مسائل فقه نیز عبارت است از باید و نبایدهای شرعی، اعم از آموزشی، عملی و رفتاری. پس، این دو می‌توانند در برخی مسائل و محتواها همکاری داشته باشند.

۱-۴. تربیت

تربیت در فارسی به «معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است» (دهخدا، ۱۳۷۲، ۵: ۶۶۰۲) در عربی هم یا از ریشه «ربو» به معنای «رشد، نمو و علو به کار رفته است» (ابن فارس، ۱۴۳۰، ۲: ۴۸۳) یا از ریشه «ربب» «حضانت و در دامان خود پروردن» (فراهید، ۱۴۰۹، ۸: ۲۵۷)، تربیت در اصطلاح علوم تربیتی کاربردهای گوناگونی دارد گاهی «واژه تربیت در معانی اعم از آموزش و تعلیم استفاده می‌شود و مقصود از آن پروریدن همه ساحت‌های وجود انسان است؛ اما واژه تربیت گاهی در برابر تعلیم به کار می‌رود که مقصود از آن پرورش جنبه‌های غیرشناختی متربی است» (اعرافی، ۱۳۷۲، ۱۱: ۱۷۰۶۹) شهید مطهری هم تربیت را «پرورش دادن، استعدادهای درونی و به فعلیت رساندن آن می‌داند» (مطهری، ۱۴۱۹، ۲۲: ۷۱۶)

۱-۵. اقتصاد

اقتصاد «در لغت از ماده قَصَد در معناهای خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و نیز به

معنای قناعت‌ورزی و میان‌روزی به کار رفته است» (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۱۲۷) در اصطلاح اقتصاد دانان، «مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب به منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع بین افراد مختلف» (خلیلی، ۱۳۹۳: ۶) ارسطو علم اقتصاد را تدبیر منزل، یعنی مدیریت خانه و زندگی می‌داند. (ارسطو، ۱۳۵۸، ۱: ۷).

۱-۶. فقه

فقه در لغت «به معنای فهم، علم و زیرکی به کار رفته است» (فراهید، ۱۴۰۹، ۳: ۳۷۰)، در اصطلاح فقیهان، «علم یافتن به احکام شرعی از راه‌های اثبات‌کننده آن است» (عاملی، ۱۳۶۵: ۲۶)

۲. بررسی امکان تعامل فقه و تربیت اقتصادی

پیش از امکان‌سنجی تعامل میان فقه و تربیت اقتصادی، اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که یافتن رابطه تعاملی برای فقه و تربیت اقتصادی، تنها در محدوده‌ای جامعه اسلامی بررسی شده و ساحت‌های دیگر را به تحقیق مستقل وانهاده است. در ذیل به مهم‌ترین زمینه‌هایی که امکان تعامل میان فقه و تربیت وجود دارد، اشاره می‌گردد.

۲-۱. تعامل در موضوع

از مهم‌ترین زمینه‌های تعامل فقه و تربیت اقتصادی، می‌توان مشترک بودن موضوع این دو دانش را بر شمرد. موضوع تربیت اقتصادی، انسان و فعالیت‌های اقتصادی وی است. عوامل تربیتی نیز درصدد تأثیرگذاری مثبت بر انسان است و ساحت این تأثیرپذیری اندیشه‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتارهای اقتصادی آدمیان است. چون کانون تأثیرات تربیتی در انسان رفتارهای بیرونی او است.

از این رو، تلاش مربی در فرایند تربیت اقتصادی، تأثیرگذاری بر رفتارهای اقتصادی متربی و پدیدار شدن صفات مطلوب در وی در عرصه اقتصاد است. از سوی دیگر، موضوع فقه هم انسان و ساحت‌های گوناگون زندگی او به ویژه رفتارهای او است. انسان و رفتارهای وی زمینه مشترک برای فقه و تربیت اقتصادی است که داد و ستد آن دو را امکان‌پذیر می‌سازد. هرچند

تأثیرگذاری هریک از این دو دانش بر انسان متفاوت است. به دلیل آن که نگاه فقه به انسان و رفتارهای تکلیف محور او است که خداوند آن‌ها را بر دوش انسان قرار داده است؛ اما تربیت اقتصادی درصدد ایجاد بینش نیکو، یا اصلاح و تغییر رفتارهای او در کارهای اقتصادی است. با این حال، کار بر روی انسان، زمینه‌ای مشترک است، که می‌تواند تعامل این دو دانش را در موارد زیادی فراهم آورد.

۲-۲. تعامل در محمول

زمینه مشترک دیگری که امکان تعامل فقه و تربیت اقتصادی را فراهم می‌سازد، محمول این دو دانش است. محمول این دو دانش علوم اسلامی و انسانی است. تربیت اقتصادی شامل سه رکن اقتصاد از تولید گرفته تا توزیع و مصرف می‌شود و تمامی فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که به گونه‌ای در پرورش اندیشه‌های اقتصادی انسان تأثیرگذار است.

از سوی دیگر، محمول فقه نیز قلمروگسترده‌ای در افعال مکلفان دارد و فراتر از آن فقه برای همه مقاطع سنی آدمیان و حتی پیش از تولد، احکام، بایدها و نبایدهای فقهی از منابع وحیانی کشف و تدارک می‌بیند. نگاهی کوتاه به ساحت‌های احکام فقهی و دسته بندی‌های ارائه شده از آن نشان می‌دهد که فقه به جنبه خاصی از زندگی انسان ورود نمی‌کند؛ بلکه قانون‌گذار شرعی حکیمانه، احکام شرعی را به گونه‌ای وضع کرده که در پرتو التزام به آنها همه‌ای ساحت‌های وجودی انسان پرورش می‌یابد و فقه احکام از گهواره تا گور را برای انسان بیان کرده است. بنابراین، محمول این دو دانش جنبه‌های مشترک فراوان دارند و زمینه‌ای تعامل این دو دانش را فراهم می‌سازند.

۲-۳. تعامل در مسایل

پیش از این بیان شد که موضوع تربیت اقتصادی و فقه هر دو انسان و رفتارهای او است، از این رو مسائل بحث شده در این دو علم می‌تواند زمینه ساز تعامل این دو دانش باشد. محتوای تربیت اقتصادی، شامل تمامی آموزه‌های اقتصادی و فعالیت‌هایی است که در پرورش مثبت وجودی انسان در عرصه‌ای اقتصاد مؤثر است. محتوای فقه نیز عبارت است از گزاره‌های

و حیانی، اعم از باید و نبایدهای آموزشی عملی و رفتاری. بنابراین، این دو دانش می‌توانند در برخی مسائل تعامل داشته باشند. برای نمونه، فرمان فقهی بخشی از محتوای تربیت اقتصادی در جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و امروزه در تربیت اقتصادی، احکام فقهی هم دخالت دارد. از سوی دیگر فعالیت‌های پرورشی و تربیت اقتصادی می‌توانند موضوع احکام فقهی قرار گیرند و از نظر فقهی جواز و عدم جواز آنها مورد بررسی قرارگیرد.

۲-۴. تعامل در اهداف

زمینه ساز تعامل دیگر میان فقه و تربیت اقتصادی، اهداف مشترک میان این دو دانش است. می‌توان گفت که هدف نهایی فقه و تربیت اقتصادی مشترک است. زیرا هم تربیت اقتصادی فرایند هدایت‌گری در جامعه اسلامی دارد و هم فقه در راستای بیان تکالیف شرعی، راهنمای انسان به سوی مصالح، نیکی‌ها و نزدیک شدن به خداوند است.

۲-۵. تعامل در کاربردی بودن

ویژگی دیگری که می‌تواند سبب تعامل میان فقه و تربیت اقتصادی گردد، جنبه کاربردی بودن هر دو دانش است. فقه جنبه کاربردی و عملیاتی شریعت است و همه احکام فقهی به گونه‌ای عملی و کاربردی است. به همین دلیل از فرمان‌های فقهی به «احکام عملیه» تعبیر شده است. از سوی دیگر، بارزترین جنبه تربیت اقتصادی بهبود فعالیت‌های عملی آدمیان در عرصه اقتصاد است.

با توجه به امکان پذیر بودن تعامل میان فقه و تربیت، در ذیل امکان تعامل میان فقه و تربیت اقتصادی در ارکان اصلی اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) بررسی می‌گردد

۳. تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش تولید

تولید «هرگونه فعالیت و کار (صرف انرژی) که عنصر یا عناصری از طبیعت را به مصرف انسان نزدیک کند» (توانایی فرد، ۱۳۸۵: ۸۱۷). تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش تولید، به پرورش انسان‌های کارآفرین، خلاق و متشجع منجر می‌شود. چون بخش تولید است که ایجاد فایده

نموده و مطلوبیت را برای ارضای خواسته‌های افراد به ارمغان می‌آورد، این فرایند می‌تواند عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی باشد.

۳-۱. ادله‌ی قرآنی

در قرآن شماری از آیات در باره کار و تولید و بیان ارزش، اهمیت کسب ثروت حلال و آثار و سودمندی آن نازل شده است. (ر. ک. رجایی، ۱۳۸۶) از واژگان نزدیک معنی با کار و تلاش و نیز مشاغل انبیاء و توصیه‌ها و تشویق‌های آنان به کسب ثروت حلال که در قرآن فراوان یاد شده است، این آیات عرصه‌ای تعامل فقه و تربیت اقتصادی‌اند.

چون هم احکام و هم تربیت اقتصادی از این آیات قابل استنباط است. قرآن برای تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه احکام شرعی و تربیت اقتصادی مسلمانان را با هم در نظر داشته است. چون آیات طیف از معنا و اهداف گوناگونی دارند؛ محتوای حکم تکلیفی و تربیت اقتصادی مسلمانان در کسب ثروت حلال از نخستین بطون معنایی این آیات به دست می‌آید. این گونه آیات در بخش تولید زمینه تعامل فقه و تربیت اقتصادی است. در ادله‌ی قرآنی که مبنای حکم فقهی تولید ثروت قرار می‌گیرد، تشویق و ایجاد انگیزه به کار و کارآفرینی، کسب ثروت از راه حلال را هم بیان می‌کند و طیف وسیعی از احکام شرعی مانند حکم کار و تلاش و نقش آن در توسعه اقتصادی جامعه و نیز رشد معنوی و اخلاقی انسان در سایه ثروت و بهره‌گیری درست از نعمت‌های الهی؛ حکم شرعی انفاق و کارهای خیرخواهانه با اموال؛ رشد فعالیت‌های علمی و دانش با بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی، اثر نامطلوب داشتن اموال مخلوط به حرام در زندگی؛ ارجمند بودن شکران نعمت، رشد و توسعه اقتصادی با کسب ثروت حلال از قرآن نیز قابل استخراج بوده که همه‌ای این مباحث در تعامل میان فقه و تربیت اقتصادی تشویق به کارهای اقتصادی و کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی قابل طرح است. به نظر می‌رسد، با نازل شدن آیات اقتصادی، مبنای تربیت اقتصادی مسلمانان قرار گرفته و سپس فقیهان از آن احکام فقهی حلال و حرام کارکردهای اقتصادی را استنباط نموده، به این صورت مبانی فقهی در کسب ثروت حلال شکل گرفته است. مجموعه‌ای ادله، مبانی و

کارهای فقیهانه، زمینه تربیت اقتصادی و تشویق برای کسب ثروت حلال از راه انجام کارهای تولیدی و کارآفرینی بر پایه معارف قرآنی فراهم گردید. با این راهکار، مسلمانان به تربیت نیروی توانمند و مورد نیاز جامعه اسلامی و نیز راه‌های چگونگی کسب درآمد و ثروت حلال و دوری جستن از اموال حرام را امکان پذیر نمود. برای تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش تولید به چند آیه از باب نمونه استناد می‌گردد.

۱. **لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** (نساء، ۳۲) «برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست.»

مفردات آیه

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ، لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ» این فراز از آیه مالکیت را به رسمیت می‌شناسد و در اسلام مالکیت خصوصی شرعی و قانونی است و نکته دوم: زنان مانند مردان، نسبت درآمدهای خود از کار و تولید به طور یکسان مالکیت دارند. نکته‌ای دیگری که از «نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا» به دست می‌آید تشویق به کار و تولید است که به جای تمنای روزی خود از دیگران، مسلمانان باید در پی کسب روزی حلال برآیند و با کار و تولید خود را از دیگران بی‌نیاز سازند.

دلالت آیه

این آیه دلالت می‌کند که در نزد خدا چه زنان و چه مردان از ثمره کار و کسب خود بهره‌مند هستند. رجال و نساء که در آیه ذکر شده عام است و در گستره‌ای معنایی آن زمینه‌های مشترک فقه و تربیت اقتصادی یافت می‌شود. مالکیت خصوصی عرصه فقه و تربیت اقتصادی است. فقه قانون مالکیت و نیز جایز بودن کار و تولید هم برای زنان و هم مردان را از این آیه استنباط می‌کند و کار تربیت اقتصادی این است که فرمان فقه را اجرایی کرده و آن را به صورت صفات پایدار درآورد. از این رو می‌توان گفت که تعامل فقه و تربیت در این آیه آشکار است، تا مسلمانان هم مالکیت دیگران را محترم شمرده و هم حق کار را مانند برخی گروه‌های افراطی از زنان سلب نکنند.

کسانی که بر مبنای این آیه تربیت اقتصادی می‌شوند، مالکیت خصوصی را محترم شمرده و در عرصه کار و تولید به حقوق دیگران تجاوز نخواهد کرد. چون این آیه، اقتصاد، تولید و کسب درآمد را به مردان اختصاص نداده است و زنان هم می‌توانند کارهای تولیدی نموده و از آن راه درآمد حلال کسب نمایند.

با تعامل فقه و تربیت اقتصادی بر مبنای این نگرش، سبب فرهنگ سازی و فعال شدن نصف دیگر جامعه می‌گردد. چون برخی اندیشه‌ها در جامعه اسلامی مانع کار زنان می‌شوند و با این تفکر نصف افراد جامعه را از چرخه کارهای اقتصادی و تولید خارج کرده و زیان‌های مالی برای جامعه اسلامی به بار می‌آورند. فقیهانی که با کار زنان مخالفند و اعتقاد به خانه‌نشینی زنان دارند، با استدلال به آیه، «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»، (احزاب، ۳۳) و آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» و در شروع آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، آیه ۲۲۸) و نیز از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۴۳) استفاده کار نکردن زنان را کرده‌اند و نیز از احادیثی که زنان را تشویق می‌کنند، تا از همسران خود تبعیت کنند. می‌گویند: «کلا در درست نیست زنان و دختران برای تامین مخارج کار کنند؛ بلکه باید پدر یا شوهر یا برادران آنان نفقه‌شان را بدهند، تا زنان به زندگی زناشویی و بچه‌داری پردازند» (سباعی، ۱۴۲۰، ۱: ۱۷۱)

۲. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ (نجم، ۳۹).

اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.

دلالت آیه

این آیه از کار و تلاش سخن می‌گوید، که می‌تواند عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی باشد. هرچند که سوف یری گفته شده آن را مقیده به کارهای معنوی کرده است و اگر این دیدگاه را بپذیریم، بازهم کار عام است و شامل کارهای معنوی و مادی مانند کارهای تولیدی مجاز و حلال هم می‌شود و کارهای نیک مادی و خیرخواهانه هم مانند کارهای معنوی پاداش اخروی دارد و از آنجای که آیه برای انسان اندوخته‌ای را به رسمیت نمی‌شناسد مگر آنچه را که با تلاش به دست آورده باشند و از دیدگاه قرآن هرکسی ثمره کوشش خود را خواهند دید. این آیه برای

تعامل فقه و تربیت اقتصادی سرمشق است که با تربیت چه معنوی و چه تربیت اقتصادی سبب توانمندی آدمیان می‌گردد. کسی که کار را به درستی انجام می‌دهد، در آخرت پاداش کارهای خود را می‌بیند. از این رو تربیت اقتصادی انسان را در حوزه اقتصاد به سوی فرمان شرع رهنمون می‌سازد که تعامل فقه و تربیت حاصل می‌آید. چون مفروض این است که با تربیت اقتصادی، کارها و بهره‌وری از کار، بهتر به ثمر می‌نشیند، رضایت خدا و خلق خدا را به همراه دارد.

فراز پایانی آیه سخن از دیدن ثمره کار است که با تربیت شدن آدمیان بازدهی کار بالا می‌رود، تفاوتی نمی‌کند که مقصود از کار در این آیه را کارهای عبادی در نظر بگیریم یا مقصود از کار همان کار اقتصادی و تولید باشد چون در هر دو، پاداش اخروی وجود دارد. سودمندی از کار، اگر عبادی در نظر گرفته شود به این است که با تربیت شدن؛ عبادات درست با رکن و مقام، به صورت کامل انجام می‌گیرد و چنین عباداتی پاداش و ثواب کامل را نصیب انسان می‌کند. اگر مقصود از کار، کارهای مادی باشد با تربیت اقتصادی تولید و محصولات پر ثمر خواهند شد، سود محصولات با کیفیت و مرغوب را تولید کننده خواهند دید. از همه مهمتر، این گونه افراد در نگرش دین محسن شمرده می‌شود که افزون بر سود مادی از پاداش معنوی و آخرتی هم برخوردار می‌گردد. با تعامل فقه و تربیت اقتصادی می‌توان این نگرش قرآنی را به کارهای معنوی و تولیدی در جامعه اسلامی فرهنگ سازی و ترویج نمود.

همچنین قرآن کریم در آیه‌های ۷۹ و ۸۰ سوره توبه، از کار و تلاش ستایش می‌کند و ستایش از سوی خداوند به معنای محبوبیت و مطلوب بودن کار، کارگران و نیز تولید کنندگان در پیشگاه خداوند است این معارف، هم احکام فقهی و هم تربیت اقتصادی را بیان می‌کند که تعامل فقه و تربیت اقتصادی را به همراه دارد. تا این نگرش در میان مسلمانان به صورت صفات پایدار به کار و تولید درآید. بزرگترین سعادت برای آدمیان این است که با کار و تولید مورد ستایش و محبوب خداوند قرار گیرند.

آیات اقتصادی قرآن به صورت کلی دارای بطون معنایی یا کارکرد چند وجهی اند که از میان آن تکلیف شرعی همراه با تربیت اقتصادی قابل استنباط است. از سوی دیگر تعدادی از آیات به گزارش مشاغل پیامبران الهی پرداخته است، (انبیاء، ۸۰) آنان که در کنار رسالت و هدایت

مردم، کار و فعالیت اقتصادی را فراموش نکرده‌اند، تا هم وظایف اصلی خود را انجام دهند و هم معاش خود را تأمین نمایند و باردوش دیگران نباشند. می‌تواند گفت تعامل فقه و تربیت اقتصادی در آیات اقتصادی قرآن به خوبی قابل مشاهده است. چون یکی از اهداف نزول این آیات ایجاد تکلیف شرعی است تا مردم کار و تولید را برای تأمین نیازهای افراد واجب النفق و وظیفه شرعی دانسته با ضمانت اجرایی دین، بهره‌وری کار و تولید افزایش یابد. از طرف دیگر مهم ترین هدف آیات اقتصادی این است که کار و تولید فرهنگ و عادت مسلمانان گردد. به همین دلیل قرآن به مشاغل بعضی از پیامبران اشاره کرده است.

۲-۳. ادله‌ی روایی

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِيهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۵: ۸۸)
کسی که دنبال روزی می‌رود تا آبروی خود و خانواده اش را حفظ کند پاداشش از رزمنده‌ای در راه خدا بیشتر است.

سند حدیث

محمد بن یعقوب الکلینی (امامی و ثقة است (نجاشی، ۳۷۸:۱۴۱۶) عدة من أصحابنا (علی بن ابراهیم بن هاشم و چند نفر از اساتید کلینی که همه امامی و ثقة‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶:۲۶۰) عن أحمد بن أبي عبد الله (أحمد بن محمد بن خالد البرقي، امامی و ثقة، همان: ۷۷) عن إسماعيل بن مهران (ثقه، امامی، همان: ۲۷) عن زكريا بن آدم (امامی و ثقة، کشی، ۱۴۱۷: ۵۹۵) عن أبي الحسن الرضا عليه السلام (امام معصوم) همه روایان این حدیث امامی و ثقة‌اند و حدیث صحیح است و مبنای حکم شرعی قرار می‌گیرد.

دلالت حدیث

این حدیث هم در باره تولید معاش (تربیت اقتصادی) و حکم شرعی (فقه) سخن می‌گوید که زمینه مشترک برای تعامل فقه و تربیت اقتصادی است. افزون بر آن کسب معاش برای خانواده را، این حدیث فضل خداوند می‌داند که باید از راه حلال تولید شود که چگونگی نهادینه شدن معارف این حدیث نیازمند تربیت اقتصادی است. در تربیت اقتصادی تلاش بر

این است تا مسلمانان تولید را برای تامین معاش خانواده فضل خداوند بدانند. از طرف دیگر حفظ آبرو با کسب درآمد، چنان ارزشمند دانسته که از پاداش رزمنده در راه خدا فزونی می‌یابد. برای بهره‌مندی از این پاداش باید بر پایه نگرش دین به اقتصاد رفتار شود، تا حلال از حرام باز شناخته شود که با تعامل فقه و تربیت اقتصادی، رسیدن به این پاداش امکان‌پذیر خواهد بود.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ اللَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

قَالَ: لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَيَطْلُبُونَهَا.

(شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۳: ۱۵۷) «امام صادق عليه السلام فرمود: در طلب معاش خود

کاهلی نورزید؛ زیرا پدران ما در پی آن می‌دویدند و آن را می‌طلبیدند».

سند حدیث

از نگاه سندی این حدیث مرسل است و مرسله‌های شیخ صدوق اگر به صورت قطعی به معصومان عليه السلام نسبت داده شود، اعتبار بیشتری دارد.

دلالت حدیث

اما دلالت حدیث «لَا تَكْسَلُوا» نهی است و دلالت بر حرمت می‌کند. نکوهش کردن از سستی در تامین و تولید معاش، حرام شده است. چون امام صادق عليه السلام نخست از کاهلی و تبلی نهی کرده و دوم اینکه به سیره پیشوایان در کسب درآمد استناد کرده، عبارت "پدران ما در پی طلب معاش می‌دویدند" نشان‌دهنده اهمیت تولید و تامین درآمد است. چون نوع آن مشخص نشده می‌تواند شامل همه‌ای کارهای اقتصادی گردد.

مقصود این است که انسان در پی کار و درآمد حلال باشند. کار اقتصادی و تولیدات مفید، با تربیت افراد توانمند تحقق می‌یابد. فقیهان در کتاب المکاسب والبیع با تمسک به احادیث معاش الناس به کارهای تولیدی و آموزش احکام شرعی، اقتصاد اسلامی و آداب آن پرداخته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱: ۶۷) این حدیث تکلیفی شرعی را برای مکلفان بیان می‌کند. کار کردن امامان معصوم (سیره عملی) همانند سخن گفتن و سکوت آنان حجت است و مبنای حکم شرعی قرار می‌گیرد. از این رو این حدیث هم عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی است چون

هم تربیت اقتصادی را بیان می‌کند و هم فرمان فقهی می‌دهد که بر مسلمانان لازم است همانند پیشوایان دین برای کسب درآمد به دنبال کار و تولید بروند و لازمه آن حرمت تنبلی و کار نکردن است. این حدیث، برای کارهای مادی پاداش اخروی نیز قرار داده است.

۳. عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا أَبَالِي أَنْتَمُنْتُ خَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا. (کلینی، ۱۳۸۸، ۵: ۳۰۱) «امام صادق عليه السلام فرمود، تفاوتی ندارد که کار را به خائن بسپارم یا به ناشی.

سند حدیث

محمد بن یعقوب الکلینی، ثقه و امامی است، سهل بن زیاد آدمی، ثقه و امامی است، (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۸۷) علی بن اسباط، ثقه و امامی (برخی گفته‌اند فطحی بوده و به مذهب امامی برگشته است (کشی، ۱۴۱۷: ۵۶۲) عمر بن ابی المقدام، ثقه و امامی است (حلی، ۱۴۱۷: ۱۲۰) حدیث با توجه به سلسله سند صحیح است.

دلالت حدیث

از نظر نتیجه تفاوتی نمی‌کند که کاری به افراد خائن سپرده شود، یا شخص ناشی و کسی که تربیت اقتصادی نشده و مهارت کسب نکرده باشند مصداق افراد ناشی و غیر حرفه‌ای است. چون در هر دو صورت، کار تباه شده و مردم زیان می‌بینند. این حدیث حکم تکلیفی کار و تولید بدون مهارت و تربیت اقتصادی را حرام می‌داند. چون حدیث صحیح السند است می‌تواند مبنای حکم قرار گیرد. وقتی حکم سپردن انجام کار به دست افراد بدون مهارت حرام شد، تربیت اقتصادی برای انجام کار درست و تولید کالای مرغوب لازم و ضروری می‌شود. چون افراد فاقد تربیت اقتصادی هم‌ردیف خائنان قرار گرفته است و تردیدی نیست که کارهای اقتصادی و تولیدی را به دست خائنان سپردن حرام است. این حدیث افزون بر بیان حکم تکلیفی، کار را به کاردان سپردن؛ ترغیب آدمیان به آموختن مهارت‌ها و تربیت اقتصادی برای کار و تولید کالای مرغوب و خدمات مطلوب و بی نقص است. حکم فقهی و تربیت

اقتصادی در این حدیث جمع شده است که می‌تواند تعامل این دو دانش را فراهم آورد.

۳. وَ مِنْهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۲: ۱۳) عبادت هفتاد جزء دارد که بالاترین و با فضیلت‌ترین آنها دنبال رزق و روزی حلال بودن است.

سند حدیث

در سند اسماعیل بن مسلم، شخص عامی و توثیق شده است (حلی، ۱۴۱۷: ۱۹۹) حدیث به دلیل راوی غیر امامی و توثیق شده موثق می‌شود.

دلالت حدیث

این حدیث به ارزشمندی کار و تولید دلالت می‌کند که عرصه‌ای تعامل فقه و تربیت اقتصادی است. نکته اول اینکه کار اقتصادی برای کسب روزی حلال در عین مادی بودن معنوی و عبادی شمرده شده و آن را عبادت می‌داند. عبادت دانستن کار اکنون در میان مسلمانان غریب و ناآشنا است. چون در ذهن مسلمانان از لفظ عبادت، کار اقتصادی تبادر نمی‌کند. دوم اینکه کار و تولید بیشترین سهم از عبادات را به خود اختصاص داده است و بهترین جزء از هفتاد جزء عبادت مربوط کار، تولید و تامین روزی حلال است و جای شگفتی است که چرا این فرهنگ دینی در جامعه اسلامی نهادینه نشده و مهجور مانده است؟ دینداران تنها به یک بخش از عبادت بها داده و با فضیلت‌ترین بخش عبادت (کارهای اقتصادی) را مادیات و بی‌ارزش تلقی کرده‌اند.

به همین دلیل مسلمانان نگاهی عبادی به کار و تولید ندارند. جای شگفتی است که به یک بخش از عبادت اینقدر اهتمام می‌ورزند و آن بهترین قسمت را؛ حقیر و گاهی مذموم می‌دانند. به نظر می‌رسد سرشت راحت طلبی آدمیان در این مساله دخیل بوده و آن بخش از عبادت مانند نماز که راحت و بدون زحمت است (نساء، ۱۵۰) خواهان یافته و بخش دیگر مانند کارهای تولیدی که همراه با رنج و زحمت فراوان‌اند، مغفول واقع شده است و اگر کار و تولید که قسمت افضل عبادات است به اندازه نماز عزیز و گرامی می‌شد، جامعه اسلامی از این عقب ماندگی‌ها

نجات یافته و اکنون کارگران زحمت کش و کار آفرینان در جامعه اسلامی نماد تقدس بودند؛ نه اشخاص زاهد و عابد.

واقعیت‌های عینی جامعه اسلامی نشان می‌دهد که نه اقتصاد در جایگاه واقعی خود قرار دارد و نه تربیت اقتصادی و نه مرییان به وظایف خود آشنا است و این مجموعه عوامل دست به دست هم داده‌اند با وجود ادله‌ی معتبر، اقتصاد، تولید و کارهای تولیدی را که در اسلام بهترین بخش عبادت شمرده شده در مقابل عبادت قرار داده‌اند. یک دلیل آن می‌توان جزیره‌ای عمل کردن و به دنبال کارهای راحت رفتن است با تعامل فقه و تربیت اقتصادی اگر بتوان تنها معارف همین یک حدیث را احیاء کرده و به کمک این دو دانش، اقتصاد را در جامعه به جایگاه اصلی اش برگردانند، اوضاع اقتصادی مسلمانان سامان خواهد یافت.

۴. تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش توزیع

توزیع به فرایند رساندن کالا یا خدمات به دست مشتریان برای استفاده یا مصرف گفته می‌شود. (توانایی‌فرد، ۱۳۸۵: ۸۱۷) توزیع کالا و خدمات یا درآمد و ثروت، در نظام اقتصادی اسلام بر اساس معیار کار و تلاش از یک سو و نیازهای واقعی از سوی دیگر بنا شده است که در این فرایند زمینه‌های مشترک بسیاری برای تعامل فقه و تربیت فراهم می‌آورد.

۴-۱. ادله قرآنی

بازرگانان بیشترین نقش را در توزیع کالا و خدمات دارند، از این رو در دین اسلام درباره‌ی این شغل معارف فراوان پدید آمده است تا توزیع کالا و خدمات و تجارت به صورت حلال انجام گیرد. احکام و تربیت اقتصادی این بخش از اقتصاد هم میدان تعامل فقه و تربیت اقتصادی است.

ادله‌ی قرآنی نشان می‌دهد که در اقتصاد اسلامی، توزیع را تنها به گردش سالم کالا و خدمات محدود نمی‌داند، افزون بر آن، توزیع عادلانه پول و ثروت در جامعه را نیز در نظر دارد، به گونه‌ای که همه طبقات اجتماعی از امکانات موجود عادلانه بهره‌مند شوند.

۱. مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ

الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لا یكون دولةً بین الأغنیاء منکم (حشر، ۷) «آن غنیمتی که خدا از قریه‌ها نصیب پیامبرش کرد، از آن خدا، پیامبر، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و مسافران در راه مانده است، تا ثروت میان توانگران دست به دست نشود».

دلالت آیه

این آیه در راستای نگرش عدالت‌خواهانه دین اسلام به اقتصاد، بر انباشته نشدن ثروت به دست افراد خاص دلالت می‌کند. یکی از راه‌های تامین عدالت توزیع درست اموال عمومی برای پرکردن فاصله طبقاتی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴: ۳۹) در تربیت اقتصادی، بخش توزیع، لازم است این آیه برنامه تربیتی باشد، تا در توزیع کالا و خدمات زنجیره سلامت و عدالت، پیوسته برقرار بماند، فقه هم از این آیه احکام غنیمت را بدست می‌آورد که فقه و تربیت اقتصادی در تعامل قرار می‌گیرند.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ (نساء، ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (حرام) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

دلالت آیه

«إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ»، «استثنای منقطع از قانون کلی حرمت تصرف در اموال دیگران است؛ مگر اینکه تصرف از راه تجارت (تملک با عقد) و آن هم با رضایت دو طرف معامله باشد» (انصاری، ۱۴۱۹، ۳: ۳۴۷). این آیه دلالت بر تعامل فقه و تربیت اقتصادی می‌کند که تمام مبادلات مالی و انواع تجارت و توزیع کالا و خدمات باید از روی رضایت طرفین و به صورت مشروع انجام گیرد و مشروع بودن داد و ستد، در صورتی است که دستورات اسلام در تجارت رعایت شود. برای رسیدن به توزیع و تجارت سالم و حلال، لازم است مسلمانان نخست تربیت اقتصادی شده باشند. این آیه فرمان می‌دهد که شناخت حلال و حرام در تجارت لازم است، یکی از آن وفای به عقود است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده، ۱). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید.»

۳. ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي

الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (اعراف، ۸۵) «...حقّ پیمانۀ و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید؛ و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است، اگر باایمان هستید.»

دلالت آیه

این آیه ویژگی‌های توزیع را در قالب داستان حضرت شعیب علیه السلام بیان می‌کند، که از مستندات مهم فقه و تربیت اقتصادی در بخش توزیع به شمار می‌رود و این دو دانش را به تعامل فرا می‌خواند. این آیه نشان می‌دهد که پیغمبر پس از دعوت مردم به یکتاپرستی، به مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی برخاسته است و کسانی را که در توزیع کالا و خدمات مطابق نگرش دین رفتار نمی‌کردند، کم‌فروشی و تقلب و تزویر در معامله می‌کردند، از این کار باز داشته و در تربیت اقتصادی آنان کوشیده است. راه درست توزیع کالا و خدمات را برای آنان بیان نمود، تا مردم حقّ پیمانۀ و توزین را ادا کنند و از حقوق مردم و مصرف‌کننده چیزی فرو نگاهند. در توزیع کالا و خدمات رعایت حقوق مصرف‌کننده مهم است برای همین خیانت و تقلب حرام شده است.

با توجه به اینکه تعامل فقه و تربیت اقتصادی سبب پاسداشت و صیانت از حقوق مصرف‌کننده می‌گردد. رعایت این حقوق، پایه‌های اعتماد عمومی را نسبت به نظام توزیع افزایش می‌دهد. چون اعتماد مردم به بخش توزیع از بزرگترین پشتوانه‌های اقتصاد است، به همین دلیل، این موضوع مهم از نگاه حضرت شعیب علیه السلام پوشیده نماند. این معارف باید به کمک فقه و تربیت اقتصادی، در جامعه ترویج و فرهنگ‌سازی شود و فقه و تربیت اقتصادی با داد و ستد به این فرایند کمک می‌رسانند.

ادله‌ی دیگر قرآنی که این دیدگاه را تأیید می‌کنند:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ، أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (الرحمن، ۹-۷) «آسمان را برافراشت و ترازو را برنهاد تا در ترازو تجاوز نکنید، وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم‌فروشی نکنید.»

این آیه عدالت‌ورزی در بخش توزیع کالا را بیان می‌کند که در پیروی کردن از آن

حکمت‌هایی نهفته است و روشن‌ترین آن حفاظت از حقوق مصرف‌کننده است. این مساله هم زمینه‌ای مشترک میان فقه و تربیت اقتصادی است تا با برپایی عدالت در توزیع کالا و خدمات چرخه‌ای سالم اقتصادی در جامعه ایجاد گردد.

چون عدالت‌ورزی همواره مطلوب خداوند است، فرستاده شدن کتاب‌های آسمانی و پیامبران برای برقراری عدالت در جامعه انسانی بوده است و این مقوله دامنه گسترده دارد و یکی از بسترهای تعامل فقه و تربیت اقتصادی برای برقراری عدالت در توزیع کالا و خدمات است. از این رو همه مردم مکلف‌اند برای اجرای عدالت در تمام زمینه‌ها تلاش کنند. اَرْسَلْنَا... اَنْزَلْنَا... لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) که در این آیه آمده برای این است که مردم عدالت را برپا دارند. برپایی عدالت نیازمند همیاری فقه و تربیت اقتصادی است. چون گسترش عدالت با الزام‌های فقه و تربیت اقتصادی میسر می‌گردد. ادله‌ی قرآنی و جوب برپایی عدالت در همه زمینه‌ها حتی در توزیع کالا و خدمات را تکلیف نموده است. تربیت اقتصادی در بخش توزیع کالا و خدمات آدمیان را عدالت‌خواه می‌پروراند تا مسلمانان از بی‌عدالتی و عقاب الهی محفوظ بمانند.

۴-۲. ادله روایی

در کتاب تحف العقول حدیث دامنه‌دار از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به حدیث معایش العباد شهرت یافته و فقیهان در کتاب مکاسب از این حدیث فراوان استفاده کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۹، ۱: ۶۷) در این حدیث به صورت کامل و جامع در باره کارهای اقتصادی، کارهای مدیریتی، بازرگانی، خدماتی و صنعت سخن به میان آمده و حکم هریک از تولید و توزیع و مصرف را بیان می‌کند که تعامل فقه و تربیت اقتصادی بخشی از مدلول این حدیث است.

۱. سَأَلَ الصَّادِقَ علیه السلام سَائِلٌ - فَقَالَ كَمْ جِهَاتٍ مَعَايِشِ الْعِبَادِ - الَّتِي فِيهَا الْاِكْتِسَابُ وَ التَّعَامُلُ بَيْنَهُمْ - وَ وُجُوهُ النَّفَقَاتِ - فَقَالَ علیه السلام جَمِيعُ الْمَعَايِشِ كُلُّهَا مِنْ وُجُوهِ الْمُعَامَلَاتِ فِيمَا بَيْنَهُمْ - مِمَّا يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الْمَكَاسِبُ اَرْبَعُ جِهَاتٍ مِنَ الْمُعَامَلَاتِ فَقَالَ لَهُ اَكُلْ هُوْلَاءِ الْاَرْبَعَةَ اَجْنَاسٍ حَلَالٌ اَوْ كُلُّهَا حَرَامٌ - اَوْ بَعْضُهَا حَلَالٌ وَ بَعْضُهَا حَرَامٌ - فَقَالَ علیه السلام - قَدْ يَكُونُ فِي هُوْلَاءِ الْاَجْنَاسِ الْاَرْبَعَةِ حَلَالٌ مِنْ جِهَةٍ حَرَامٌ مِنْ جِهَةٍ حَلَالٌ ...

(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۱) «از امام صادق علیه السلام پرسید راه‌های امرار معاش بندگان که از آن طریق با هم داد و ستد و کسب درآمد می‌کنند و شیوه‌های خرج و مخارج چند تاست؟ حضرت فرمود: کلیه راه‌های امرار معاش که مردم از آن طریق معامله و کسب درآمد می‌کنند، چهار راه است. پرسشگر پرسید: آیا همه این چهار راه حلالند یا همه حرام هستند یا برخی حلالند و برخی حرام؟ حضرت فرمود: هر یک از این چهارراه، ممکن است از جهتی حلال باشد و از جهتی دیگر حرام. این چهار نوع معروف و شناخته شده هستند...

سند روایت معایش العباد

سند حدیث (معایش العباد) ضعیف است و چون مشهور فقیهان به آن عمل کرده‌اند، شهرت، ضعف سند را جبران می‌کند (ابن براج، ۱۴۰۶، ۲: ۵) از عمل مشهور اطمینان حاصل می‌شود، اطمینان سبب اعتماد بر صدور حدیث از معصوم علیه السلام می‌شود، این برای حجیت خبر کافی است. هر چند عمل اصحاب سبب توثیق راویان حدیث نمی‌شود؛ ولی سبب حجیت خود خبر می‌شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۲۲: ۳۳۲).

دلالت حدیث معایش العباد

این حدیث بحث اقتصاد اسلامی و کسب درآمد حلال از تولید گرفته تا مصرف را با جزئیات کامل بیان می‌کند. چون به جزئیات کسب معاش پرداخته است، استنباط احکام آن را آسان می‌کند. همان‌طور که بیان شد فقیهان مانند شیخ انصاری در کتاب مکاسب به تناسب موضوع بحث، به این حدیث استناد کرده است. فقیهان دیگر نیز تکلیف شرعی تولید، توزیع و مصرف را از این حدیث در کتاب مکاسب استنباط کرده‌اند. زمینه‌های تعامل فقه و تربیت اقتصادی در این حدیث فراهم آمده، تا مسلمانان را به دستورات اینگونه احادیث وظیفه‌مند گرداند و در بخش توزیع توأمند گردد که معاش خود را از راه حلال به دست آورند و از حرام‌ها اجتناب ورزند. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱: ۶۷) تربیت اقتصادی هم برای رسیدن به این هدف برنامه‌ریزی شده است.

۲. وَ يَأْتِنَا مِنْ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ

لَكُمْ فِيهَا غَنَىٰ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَحِبُّ الْمُحْتَرِفَ
الْأَمِينَ الْمَغْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۱۱) «به کارهای
تجاری روی آورید تا به سبب آن، از آنچه نزد مردم است بی‌نیاز شوید و خدای پیشه‌ور
امین را دوست دارد و مغبون، نه سزاوار ستایش است و نه پاداشی دارد.»

سند حدیث

در سند این حدیث قاسم بن یحیی تضعیف شده است (حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۸) به همین خاطر حدیث ضعیف شمرده می‌شود. استناد به این حدیث از باب تسامح در ادله سنن و یا قاعده من بلغ است.

دلالت حدیث

بازرگانی و توزیع کالا به دلیل کسب معیشت حلال سبب عزتمندی اعلام شده است. توزیع عادلانه و در نظر گرفتن حقوق مصرف‌کننده سبب عزتمندی و رزق حلال می‌شود و تعلیلی که در حدیث آمده و آن بی‌نیازی از مردم با تجارت، این بی‌نیازی در صورت ارزشمند است که به مدد تعامل فقه و تربیت اقتصادی در کسب سود و توزیع کالا و خدمات، انصاف و فرمان شرع رعایت گردد. تجارت و بازرگانی در صورتی موفق و سودآور است که با تربیت اقتصادی تجربه لازم کسب گردد. اینگونه معارف لازم است توسط دانش فقه و تربیت اقتصادی در فرهنگ مسلمانان ورود پیدا کند.

۳. رُوي أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا طَعِمْتُ طَعَامًا مُنْذُ يَوْمِينَ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالسُّوقِ (قطب‌الدین‌راوندی، ۱۴۰۹، ۱: ۸۹). «مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: دو روز است چیزی نخورده‌ام. فرمود: برو به بازار (و کار کن)...»

سند حدیث

این حدیث مرسل است و برای مؤید به کار رفته است.

دلالت حدیث

این حدیث بیان‌کننده پاسخ پیامبر ﷺ به شکوه‌های مردی از فقر است و پیامبر به وی دستور می‌دهد که به بازار رفته و برای خود کار و شغلی بیابد. فرمان پیامبر به این معناست که بذل و بخشش راه چاره فقر نیست و گرنه پیامبر ﷺ به آن مرد اندک پولی می‌بخشید، تا با آن رفع

گرسنگی کند؛ ولی پیامبر ﷺ به مردم راه‌هایی از فقر را نشان داد. با تعامل فقه و تربیت اقتصادی بهتر می‌توان به سخنان پیامبر ﷺ عمل نمود و با کار و کسب درآمد، از فقر‌رهایی یافت. این معارف در برنامه تربیتی مسلمانان باید گنجانده شود و به کمک فقه و تربیت اقتصادی آنان باید راه فقرزدایی را بدانند هرچند که کمک و انفاق در اسلام توصیه شده؛ اما راه چاره اصلی در یافتن شغل و کار است.

۵. تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش مصرف

مصرف یک رکن دیگر اقتصاد است، ادله‌ی فقهی برای مصرف، قانون و مقررات خاص را تعیین کرده که رعایت نکردن آن در مصرف، آدمیان را گرفتار حرام و عقاب اخروی می‌کند. از این رو در بخش مصرف، تعامل فقه و تربیت اقتصادی کارساز است، ثمره آن تعامل پرودن افرادی است که اسراف و تلف نکردن نعمت‌های خداوند می‌آموزند. یکی از راه‌های عمل و حفاظت از فرمان دین در بخش مصرف رعایت حلال و حرام است که با تعامل فقه و تربیت اقتصادی حاصل می‌شود.

۵-۱. ادله قرآنی

۱. «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف، ۳۱) برای تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش مصرف و حکم شرعی آن می‌توان به این آیه استناد کرد. در این آیه طیف از معنا نهفته است، تنها به دو نکته اشاره می‌شود که به بخش مصرف کالا و خدمات ارتباط می‌یابد. نکته نخست، این آیه به کمک آیات اقتصادی دیگر نظام اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کنند و همه‌ای آدمیان را فراخوان داده که از نظام اقتصاد اسلامی پیروی کنند. چون در آیه فعل امر بدون قید آمده و این گونه خطاب عام است و شامل همگان می‌شود. پس از روشن شدن عمومیت خطاب، سخن در این است که چگونه می‌شود به این فراخوان قرآن پاسخ مثبت داد؟ به نظر می‌رسد با تعامل فقه و تربیت اقتصادی در بخش مصرف مسلمانان به مفهوم این آیه عمل خواهند کرد، از اسراف اجتناب می‌ورزند. همان‌طور که بیان شد تربیت اقتصادی به معنای پروریدن آدمیان است تا مطابق نگرش اسلام به اقتصاد رفتار کنند و فقه نیز فرمان‌های حلال و حرام صادر می‌کند که زمینه ساز تعامل این دو دانش را فراهم می‌آورد.

نکته دوم، مهم‌ترین ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام در بخش مصرف در این آیه بیان شده است. اقتصاد نزد پیشینیان به معنای قناعت بود که آن معنا با اسراف نکردن همخوانی دارد؛ اما علم اقتصاد که بنا بود قناعت، تدبیر منزل، میانه‌روی و اسراف نکردن را بیاموزد، اکنون از هدف اصلی خود دور افتاده و مسیر ناهمگونی را در پیش گرفته است. چون اقتصاد امروز به معنای علم و دانشی به کار می‌رود که به آدمیان یاد می‌دهد چگونه با پول دیگران زندگی کنند؛ البته قوانین چرخش یک نظام مالی عظیم و سرمایه را هم نشان می‌دهد. "وَلَا تُسْرِفُوا" نص صریح در بیان ویژگی‌های مصرف در اقتصاد اسلامی است، که بایستی مردم در این نظام اقتصادی، قناعت‌ورز و بدور از اسراف تربیت گردد. با مهوریت اقتصاد اسلامی لازم است این احتمال داده شود که بشریت در این مقوله راه نادرستی را در پیش گرفته‌اند و ممکن است خود را و نسل‌های آینده را به هلاکت بیافکنند (بقره، ۱۹۵).

تربیت اقتصادی به معنای قرآنی آن مبتنی بر فضایل است که آیه مورد بحث آدمیان را با فعل امر به آن الزام می‌کند. حکم شرعی مصرف به قدر نیاز، جواز است. چون نیازهای حیاتی را تامین می‌کند؛ ولی اسراف کردن حرام است و با تعامل فقه و تربیت اقتصادی، بازگشت به اقتصاد قناعت محور امکان پذیر می‌گردد. چون اقتصاد دارای دو جنبه است، هم جنبه جمعی و کلان و جنبه فردی دارد. در قسمت کلان اقتصاد اکنون نظام سرمایه داری بر ضد ارزش‌های کهن فرمان می‌راند و اگر تغییر جنبه کلان اقتصاد از توان ما خارج بود؛ اما در زندگی فردی تسلیم نشدن به این نظام ضد قناعت یک امر دیگر نیست که کم و بیش می‌توان آن را با تربیت اقتصادی فرزندان تعمیم داده و به قناعت ورزیدن پاسخ مثبت داده و در زندگی شخصی وارد کرد. برای اینکه گاهی کل فضای زندگی در اختیار ما نیست اما در حیطه زندگی شخصی و خانوادگی می‌توان تا حدودی خود را در برابر نظام مسلط سرمایه داری محافظت کرد و تحت تاثیر ایجاد تقاضای کاذب شرکت‌های تولیدی قرار نگرفت. از سوی دیگر، قرآن کریم دستور می‌دهد که هرگز از اسراف کاران پیروی نکنید (شعراء، ۱۵۱)

برای صحیح مصرف کردن نعمت‌های الهی، باید مصرف‌کننده‌ای مسلمان نخست کالاهای حلال و حرام را بشناسد و این شناخت تنها با تعامل فقه و تربیت اقتصادی حاصل

می‌شود. شایسته است که مسلمانان به یاری فقه و تربیت اقتصادی در حد توان، مبانی احکام را هم بدانند تا در مرحله عمل، بتوانند مقررات آن را به کار بندند. برخی از آیات قرآن افزون بر اسراف نکردن جواز مصرف را «طیب» بودن و معیار حرمت و ممنوعیت را ناپاک بودن هر چیز برای مصرف قرار داده است.

۲. قُلْ لَا أُحَدِّثُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام، ۱۴۵) «بگو در میان آنچه بر من وحی شده است چیزی را که خوردن آن حرام باشد نمی‌یابم، جز مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است، یا حیوانی که در کشتش مرتکب نافرمانی شوند و جز با گفتن نام الله ذبحش کنند. اگر کسی ناچار به خوردن گردد هر گاه بی میلی جوید و از حد نگذراند بدانند که خدا آمرزنده است.»

دلالت آیه

در بخش مصرف، پاک و حلال بودن نخستین شرط است و این شرط با تعامل فقه و تربیت دست یافتنی می‌گردد پس از اطمینان از آن که کالای مصرفی در دین حرام اعلام نشده آن وقت نوبت به شرط دوم، یعنی اسراف نکردن می‌رسد.

۲-۵. ادله روایی

۱. كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا إِذَا أَكَلَ أُتِيَ بِصَحْفَةٍ فَتَوَضَّعَ قُرْبَ مَا نَدَتْهُ فَيَعْمِدُ إِلَىٰ أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَىٰ بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا فَيُوضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ... (کلینی، ۱۳۸۸، ۴: ۵۲) «امام رضا علیه السلام، وقتی سر سفره می‌نشست یک ظرف کنار سفره قرار می‌داد و از هر چه در سفره بود بهترینش را در آن ظرف قرار می‌دادند، سپس امر می‌کردند که آن را به فقیران دهند...»

سند حدیث

محمد بن یعقوب الكلینی علی بن محمد بن عبد الله عن أحمد بن محمد (بن خالد البرقی، ثقة و امامی) عن أبيه (ثقة و امامی) عن معمر بن خلاد، امامی، ثقة (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۲۱) سلسله

راویان همه امامی و توثیق شده‌اند، حدیث صحیح است.

دلالت حدیث

این حدیث صحیح‌السند عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی است. چون امام در مقام سرپرست خانواده برای تربیت فرزندان و نیز بیان حجت شرعی برای دیگر مسلمانان، مصرف خانواده را اینگونه مدیریت می‌کرد و از غذای خانواده خود سهمی را برای فقیران نیازمند اختصاص می‌داد و این کار در مقابل دیدگان خانواده انجام می‌شد، تا برای فرزندان و دیگر اعضای خانواده و نیز مسلمانان هم حکم شرعی را بیان کند و هم تربیت اقتصادی را به اجرا بگذارد. تمرین که در حدیث بیان شده به معنای تربیت اقتصادی است.

چون تربیت با تمرین محقق می‌شود با این روش آدمیان برای توزیع عادلانه ثروت، تربیت می‌شود و در این فرایند می‌آموزند که غذا و ثروت نباید در دستان عده خاص قرار گیرد و جمعیت انبوه محروم و فقیر باشند. انفاق برای رفع نیازهای فوری و کوتاه مدت فقیران است و در بلند مدت نگرش اسلام یافتن درآمد پایدار است. به نظر می‌رسد که تعامل فقه و تربیت اقتصادی مسلمانان را در توزیع کالا و خدمات، عدالت پذیر می‌پروراند. از طرف دیگر مریبان تربیتی وظیفه دارند کارکرد اقتصادی مردم را با تمرین بهبود بخشند و تربیت اقتصادی آنان را تنها به صدقه دادن و انفاق محدود نسازند. اطمینان حاصل شود که تربیت اقتصادی آنان به سوی تولید سوق داده می‌شود، به تدریج و در یک فرایند نظامند چرخه اقتصاد از تولید، توزیع و مصرف به درستی تکمیل می‌گردد.

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عُبَيْدٍ

قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا عُبَيْدُ إِنَّ السَّرْفَ يورثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يورثُ

الْغِنَى. (کلینی، ۱۳۸۸، ۴: ۵۳) «عبید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای عبید! همانا

اسراف، فقر و ناداری و میانه‌روی، توانگری می‌آورد.»

سند حدیث

محمد بن یعقوب الكلینی (امامی و ثقه) عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد (بن خالد البرقی، امامی و ثقه) عن مروك بن عبید (امامی و ثقه، (کشی، ۱۴۱۷: ۵۶۳) همه سلسله راویان امامی و ثقه اند و این حدیث صحیح است.

دلالت حدیث

این حدیث هم مانند احادیث پیشین بخش دیگری از تعامل فقه و تربیت اقتصادی درباره درست مصرف کردن را بیان می‌کند. و قناعت ورزی را سبب غنا و توانگری و اسراف را باعث فقر و فلاکت اعلام می‌کند. هدف شارع از بیان این گونه احادیث، هم حکم فقهی و هم تربیت اقتصادی برای درست مصرف کردن و نیز فرهنگ سازی این نگرش در جامعه است. چون مردمان اسراف کننده، روی خوشبختی و سعادت را نخواهند دید. مسلمانان در فرایند تعامل فقه و تربیت اقتصادی نیازمند از درست مصرف کردن آگاه می‌شوند. از این رو ضرورت دارد در بخش مصرف ویژگی‌ها و پیامدهای درست مصرف کردن به مردم آموزش داده شود، تا آنان با آگاهی از چگونگی مصرف در نگرش اسلام، قناعت ورزیدن را فضل بدانند و با بهینه مصرف کردن، سرمایه را برای کار و کارآفرینی به کارگیرند.

ادله‌ی روایی در باب مصرف چگونه مصرف را روشن می‌کند. به همین دلیل به مصرف کنندگان فرمان داده شده است تا قناعت پیشه کنند. تعامل فقه و تربیت اقتصادی مردم را از دیدگاه دین به مصارف آگاه می‌کنند تا آنان در فرایند تربیت اقتصادی و عمل به احکام فقهی با علم و آگاهی از نگرش دین سرمایه‌ای که با رنج بدست آورده را تلف نکنند و از سرمایه‌های خود به درستی استفاده نمایند.

مجموعه روایات که مصرف را در اسلام تبیین می‌کند، همه عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی است و بیشتر روایات نشان می‌دهد که معصومان علیهم‌السلام در تلاش بوده‌اند، این مساله را به درستی برای مردم فرهنگ سازی کنند که در قدم اول مصارف را بر حلال بنا کنند و پس از آن مراقب اسراف باشند و در نهایت تنها مصرف کننده نباشند و همراه با مصرف درست (اسراف نکردن) تولید کننده هم باشند. مصرف کننده‌ای که تولید کننده نباشد در نگرش دین مذموم بوده‌اند.

نتیجه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تعامل میان فقه و تربیت امکان پذیر است و زمینه‌های مشترک فراوان برای تعامل فرا روی این دو دانش قرار دارد. تعامل فقه و تربیت اقتصادی از این جهت مهم است که داد و ستد این دو دانش از یک سو سبب بهبود دین مداری مردم در عرصه

اقتصاد می‌گردد و از سوی دیگر تعامل آن دو، سبب بارور شدن هر یک از فقه و تربیت اقتصادی در خدمت رسانی به بشریت می‌گردد. فقه که جنبه عملی شریعت را به عهده دارد مجموعه ای از بایدها و نبایدهای اقتصادی را هم تعیین می‌کند و از طرف دیگر تربیت اقتصادی که پرورش صفات مثبت برای اقتصاد سالم و پایدار است به احکام فقهی نیازمند است به گونه‌ای که مردم در تولید (کسب معاش)، توزیع و مخارج زندگی (مصرف) توانمند باشند و روزی را از راه حلال برپایه دستورات قرآن و حدیث و آموزه‌های فقه اسلامی بدست آورند و نیز هزینه‌های زندگی را بدون اسراف و به قدر نیازهای واقعی مدیریت کنند. در این فرایند این دو دانش ناگزیر از تعاملند.

تولید

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تولید هرگونه فعالیت و (صرف انرژی) است که عنصر یا عناصری از طبیعت را به مصرف انسان نزدیک کند. در ادله‌ی قرآنی و روایی زمینه‌های بسیاری برای تعامل فقه و تربیت اقتصاد وجود دارد چون آیات متعدد در باره تولید و بیان ارزش، اهمیت و سودمندی آن نازل شده است. از واژگان نزدیک معنی با کار و نیز مشاغل انبیاء و توصیه‌ها و تشویق‌های آنان به کار و تولید در قرآن فراوان یاد شده است، که حکم تکلیفی و تربیت اقتصادی در گستره معانی آنها نهفته و تمسک به این ادله به کشف حکم تکلیفی و تربیت اقتصادی کمک می‌رساند ادله‌روایی هم یا کار و تولید را از نگاه اسلام بیان می‌کند، یا به تصحیح افکار نادرست درباره کار و تولید پرداخته است. حکم شرعی و تربیت اقتصاد همزمان مقصود پیشوایان بوده است که در کتاب‌های حدیثی تحت عنوان کتاب المعیشه و فضل الزرع و غیره گردآوری شده و برای کشف و استنباط حکم شرعی و تربیت اقتصادی در بخش تولید زمینه ساز تعامل فقه و تربیت اقتصادی‌اند.

توزیع

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع به رساندن کالا یا خدمات به دست مشتریان برای استفاده یا مصرف گفته می‌شود که در این بخش هم زمینه‌های مشترک بسیاری برای تعامل فقه و تربیت اقتصادی فراهم آمده است. از دست آوردهای این تحقیق این است که نشان داده

است، اقتصاد اسلامی، توزیع را تنها به گردش سالم کالا و خدمات محدود نمی‌داند، در توزیع افزون بر آن، گردش پول و ثروت در جامعه را نیز در نظر دارد به گونه‌ای که همه طبقات اجتماعی از امکانات موجود بهره‌مند شوند. چون برپایی عدالت همواره مطلوب خداوند است، فرستاده شدن کتاب‌های آسمانی و پیامبران برای برقراری عدالت در جامعه انسانی بوده که بسترهای برپایی عدالت، در توزیع کالا و خدمات مهیا می‌گردد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اسلام اجرای عدالت را راهکار در فقر زدایی می‌داند و آن تنها از راه کارهای اقتصادی تولید و توزیع ممکن است. چون پیامبر خدا به مردی که از فقر و گرسنگی شکوه داشت دستور داد که به بازار رفته و برای خود شغلی بیابد. این حدیث می‌رساند که انفاق راه چاره فقر نیست و گرنه پیامبر ﷺ به آن مرد اندک پولی می‌بخشید تا با آن رفع گرسنگی کند؛ ولی پیامبر ﷺ با این کار به مردم راه رهایی از فقر را نشان داد که با کسب درآمد مردم از فقر رهایی می‌یابد. هرچند که کمک و انفاق در اسلام توصیه شده؛ ولی چاره اصلی در یافتن شغل و کار است. تعامل فقه و تربیت اقتصادی هم در فقر زدایی می‌تواند مردم را یاری کنند.

مصرف

یافته‌های این تحقیق در باره مصرف از نگاه اسلام نشان می‌دهد که مصرف نیز عرصه تعامل فقه و تربیت اقتصادی است. ادله‌ی قرآنی و روایی در باب مصرف به چند مساله مهم تاکید دارد، نخست، کالا و خدمات مورد مصرف باید پاک و حلال باشد. مصرف این گونه کالا و خدمات که برای رفع نیازهای ضروری باشد، توصیه شده است. به همین دلیل در اسلام دنیاگریزی وجود ندارد. دوم، در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی اسراف نباید کرد، که خداوند با آیات گوناگون اسراف را منع کرده است، با اسراف نکردن، می‌توان منابع صرفه جویی شده را در کار آفرینی و فقر زدایی استفاده نمود. سوم اینکه مصرف کننده باید در بخش تولید یا توزیع فعال باشد و در اسلام تنها مصرف کننده بودن نهی شده است و مساله چهارم مصرف نعمت‌ها تنها رفع نیازهای جسمانی و مادی نیست و مصرف درست برای تقویت جسم و جان برای رسیدن به هدف بالاتر است. مصرف کالا و خدمات که از نعمت‌های الهی است وسیله است؛ نه هدف.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
- نهج البلاغه، شرح صبحی صالح، قم: دارالهجره، ۱۴۱۲ق.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۸ش.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق، اول.
- توانایی فرد، حسن، فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران: شرکت نشر و اطلاع رسانی جهان رایانه امین، ۱۳۸۵.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق، اول.
- خلیلی، نصرالله، اصول علم اقتصاد، قم: موسسه انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ش.
- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق، اول.
- رجایی، سید کاظم، معجم موضوعی آیات اقتصادی، قم: موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم.
- شیخ طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق، اول.
- _____، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، تحقیق: مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- _____، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق، اول.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق، پنجم.
- طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
- طریحی، فخر الدین مجمع البحرین، محقق، حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش، سوم.
- عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.

- علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال، تحقيق: مؤسسة نشر الفقه، قم: مؤسسة نشر الفقه، ١٤١٧ق، اول.
- فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفرى، قم: فقه ائمه اطهار، ١٤٣٦ق، دوم.
- فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم: دارالهجره، ١٤٠٩ق، دوم.
- قاضى، عبدالعزيز بن البراج، المهذب، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٦ق.
- قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، الخرايج و الجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدي، ١٤٠٩ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تصحيح، غفارى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ق، سوم.
- مجلسى، محمداقبر بن محمدتقى، بحارالانوار، تهران: المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٨ق.
- مريدى و نوروزى، فرهنگ اقتصادى، تهران، مؤسسه كتاب پيشبرد، ١٣٧٣.
- مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، قم: صدرا، ١٤١٩ق.
- نقاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، تحقيق، شبيرى زنجانى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٦ق.

